

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برگرفته از سایت:] جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی^۱

[تاریخ:] ۱۱ شهریور ۱۳۹۱

جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی

گفتگوی جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی با نجما رحمانی وکیل تعدادی از مرتبطين با دانشگاه آنلاین بهائیان جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی - در خرداد ماه سال ۹۰ ماموران وزارت اطلاعات بیش از ۲۵ نفر از اساتید و مسؤلان موسسه علمی (دانشگاه آنلاین بهائیان) را بازداشت کردند. این افراد در مجموع به بیش از ۶۰ سال حبس بدوی و یا قطعی به اتهاماتی نظیر «عضویت فعال در گروهک ضاله و ضد امنیتی بهائیت با هدف اقدام علیه امنیت کشور» و «عضویت در تشکیلات غیر قانونی دانشگاه علمی آزاد بهائیت» محکوم شدند که هم‌اکنون آقایان رامین زیبایی، کامران مرتضایی، فرهاد صدقی، کامران رحیمیان، محمود بادوام و ریاض سبحانی و خانم‌ها نوشین خادم و فاران حسامی در حال سپری کردن دوران محکومیت‌های ۴ و ۵ ساله‌ی خود در زندان‌های اوین و رجائی شهر هستند.

موسسه علمی در سال ۶۶ برای رفع محرومیت از تحصیل دانشجویان بهائی که بعد از انقلاب فرهنگی از ورود به دانشگاه محروم شده‌بودند تاسیس شده است.

در همین خصوص مصاحبه‌ای با نجما رحمانی وکیل تعدادی از متهمین پرونده‌ی موسسه علمی انجام شده است که به شرح زیر می باشد:

خانم رحمانی، شما در پرونده قضائی مسؤلان دانشگاه بهائیان وکیل تعدادی از مسؤلان و اساتید این دانشگاه بوده اید. لطفا در مورد اتهامات این افراد به صورت مختصر توضیح دهید.

در کيفر خواستهای صادره «عضویت در تشکیلات غیر قانونی دانشگاه علمی آزاد بهائیت»، «عضویت فعال در گروهک ضاله و ضد امنیتی بهائیت با هدف اقدام علیه امنیت کشور» و «عضویت در تشکیلات گروهک ضاله بهائیت با هدف به هم زدن امنیت کشور از طریق فعالیت در موسسه غیر قانونی علمی آزاد بهائیت» و... که همگی را ارتکاب بزه موضوع ۴۹۹ قانون مجازات قلمداد کرده بودند دیده می شد و در دو مورد تا آنجا که من اطلاع دارم علاوه بر این اجتماع و تبنائی به قصد بر هم زدن امنیت کشور موضوع بزه ماده ۶۱۰ قانون مجازات به دو نفر از موکلین تفهیم شده بود که متأسفانه از آنجا که اجازه مطالعه این دو پرونده در دادگاه به اینجانب داده نشد - امری که اصلاً در دادگاه‌ها معمول نیست - دقیقاً در جریان موضوع نیستم.

آیا دلایل اتهامی با عنوان اتهام "اقدام علیه امنیت کشور از طریق عضویت در دانشگاه بهائیان" تناسبی دارد؟

بیشتر موکلین - به جز سه مورد - اعلام کرده بودند که در این موسسه تدریس می کردند و یامسولیتی را بر عهده داشتند اما این موضوع را مصداق عمل مجرمانه ای نمی دانستند. و توضیح داده بودند که به جهت منع از تحصیل بهائیان در دانشگاه‌ها و داشتن تحصیلات عالی از سال ۱۳۶۶ افرادی که از لحاظ علمی در خارج از کشور تحصیل کرده بودند و یا قبلاً تحصیلات عالی داشتند صرفاً به جوانان بهایی آموخته‌های خود را به صورت خصوصی در منازل و یا هر جایی که امکانش را داشتند می آموختند. حتی موکلین در پرونده‌ها با مراجعه به وزارت علوم اشاره

^۱ [گفتگوی جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی با نجما رحمانی وکیل تعدادی از مرتبطين با دانشگاه آنلاین بهائیان](#)

کرده بودند که حسب اظهار موکلین، وزارت علوم با این استدلال که کاری که شما انجام می دهید تدریس خصوصی است و نیازی به مجوز ندارد، مجوزی صادر نمی نماید. این بدین معناست که اگر چه بهاییان در میان خود به این نوع آموزش که عمدتاً آنالاین است "موسسه" می گویند اما واقعیت آن است که محلی فیزیکی که عنوان موسسه داشته باشد و یا مثلاً سر در داشته باشد و یا مدرکی صادر نماید وجود ندارد و کسی را هم نفریفته بودند یعنی تمام کسانی که به این ترتیب تحصیل می کردند، می دانستند که در پایان مدرکی دریافت نمی کنند و بنابراین این عمل از شمول قانون تعطیلی موسسات و واحد های آموزشی که بدون مجوز قانونی دائر شده اند، خارج است. هر چند که همانطور که می بینید موکلین نه با این عنوان، که با عناوین جرائم امنیتی و سیاسی در دادگاه انقلاب محاکمه شدند. بقیه دلایل عمدتاً به گزارش مامورین اطلاعات ارجاع داده شده بود که گزارش مامورین اطلاعات هم شرح فعالیت موکلین در این موسسه بود، که موضوعی بود که خود موکلین هم بدان اقرار داشتند و نیازی به گزارش نبود - به جز آقای ریاض الله سبحانی و دو تن دیگر که نه در موسسه تدریس می کردند و نه مسؤلیتی به عهده داشتند- و آنرا عمل مجرمانه نمی دانستند و اینکه این عمل - تدریس خصوصی بهاییان به بهاییان- چگونه می تواند امنیت کشور را برهم بزند و یا این افراد با این هدف گرد هم آمده باشند موضوعی بود که در پرونده ها دیده نمی شد و صرفاً اعلام می شد که بیت العدل به آموزش بهاییان تاکید داشته است و بیت العدل در اسرائیل است که خب همه عقلاً به امر تحصیل تاکید دارند و بیت المقدس هم در اسرائیل است و اساساً تاسیس بیت العدل مانند بیت المقدس و بسیاری دیگر از مکانهای مذهبی تاریخی به قبل از تاسیس دولت اسرائیل مربوط می شود و با این استدلال نمی توان پیروان این عقاید را منتسب به دولت اسرائیل نمود. در چند مورد حتی "بازتاب رسانه ای دستگیری متهم در شبکه های بیگانه" به عنوان دلیل ارتکاب بزه موضوع ماده ۴۹۹ قانون مجازات که عضویت در گروهی که با هدف بر هم زدن امنیت کشور تشکیل می شود است ذکر شده بود که مورد اعتراض شدید موکلین قرار گرفت زیرا بسیاری از آنان از تاریخ دستگیری تا روز محاکمه در بازداشت به سر می بردند و نمی توانستند در این امر دخیل باشند.

تعدادی از موکلان شما به دلیل فعالیت و همکاری در این دانشگاه در سال ۷۷ نیز محاکمه شده اند، روند پرونده این افراد در آن سال چگونه بوده و نتیجه آن چیست

در تاریخ ۷ / ۷ / ۷۷ بسیاری از افرادی که در سال ۹۰ محاکمه شدند نیز به دلیل فعالیت در موسسه علمی این بار با عنوان اتهام ارتباط با بیگانگان محاکمه شدند که همگی پس از طی روند دادرسی طولانی بی گناه شناخته می شوند و آزاد می شوند و اگرچه در سال ۹۰ عنوان اتهامی متفاوت بود اما می دانید که در روند رسیدگی قاضی مصداق و تحمل فرد را مورد تحقیق و بررسی قرار می دهد، نه عناوین اتهامی انتسابی را و قاضی بررسی می کند این عمل - با هر عنوانی- عملی مجرمانه هست یا خیر که با توجه به اینکه در سال ۷۷ به این موضوع رسیدگی شده بود بنابراین ایراد امر مختومه وارد بود که از قاضی محترم تقاضا شد که پرونده قبلی را ملاحظه نماید که متأسفانه چنین نشد و چند روز بعد آراء صادر شد که در مجموع حاصل کار تا آنجا که من می دانم ۳۹ سال حبس رای قطعی و ۵ سال تعلیقی و ۱۹ سال حبس غیر قطعی بود و دو پرونده که همچنان در دادگاه بدوی مطرح است. این در حالی است که بیشتر موکلین افراد پیر و سالخورده و یا بیمار ۶۰ یا ۷۰ ساله هستند که باید تحت مراقبت پزشکی قرار داشته باشند و امکان تحمل حبس ۴ و ۵ ساله آن هم در زندان رجایی شهر استان البرز برای آنان بسیار سخت می باشد و دائماً تقاضای بستری شدن در بیمارستان مطرح می شود.

شما گفتید موارد اتهامی موکلان شما با بازداشت آن ها تناسبی نداشته و دانشگاه بهاییان غیرقانونی اعلام شده است، پس براساس مستندات پرونده دلیل اصلی بازداشت این افراد چه بوده است؟

همانگونه که قبلاً گفته شد دانشگاه غیر قانونی اعلام نشده است بلکه افرادی که در آن فعالیت می کردند به جز همان ۳ مورد که گفته شد که نه تدریس داشتند و نه مسؤلیتی داشتند و مثلاً در مورد آقای سبحانی بحث این بود که به موسسه کمک مالی کردند که ایشان اعلام می نمودند که به بسیاری از جاها از جمله بنیاد علوی نیز کمک مالی کرده اند که با اتهام "عضویت در گروه بر هم زنده امنیت کشور" مواجه شدند. این محاکمه در حالی بود که از تاسیس موسسه حداقل ۲۴ سال می گذشت و امکان نداشت که مسؤلین قضایی و مامورین از وجود چنین موسسه ای بی اطلاع باشند و

حتی یکبار هم در سال ۷۷ موضوع رسیدگی شده بود و حکم بر برائت صادر شده بود و بسیاری از افراد پس از سال ۷۷ که مطمئن شده بودند از نظر مسئولین تدریس در این موسسه هیچ مشکلی ندارد همکاری با آن را آغاز کرده بودند. به علت هم پرونده و مرتبط بودن بازداشت شدگان، از نظر قانونی دادگاه این افراد باید به صورت هم زمان برگزار میشده است. چرا دادگاه این افراد مجزا برگزار شده است؟

تا قبل از بازداشت آقای سلطانی یکی دیگر از وکلای متهمین - که ایشان در حال مطالعه پرونده آقای کامران مرتضایی بودند که حسب اطلاع پس از مطالعه پرونده در نزدیکی دادگاه بازداشت می شوند- قرار بر این بود که همانطور که در قانون نیز مقرر شده است دادگاه جهت رسیدگی به اتهامات این افراد همزمان برگزار شود، که این کار علاوه بر اینکه قانونی است مزایای زیادی داشت از جمله همین دلیل ساده که قاضی مجبور نمی شد دفاعیات را چند باره و چند باره بشنود و متهمین و وکلای آنها نیز می توانستند دفاع کامل تری داشته باشند.

شما وکیل فاران حسامی یکی از اساتید دانشگاه بهاییان بوده اید. قبل از بازداشت و انتقال فاران حسامی به بند نسوان اوین برای اجرای حکم ۴ سال، احضاریه ای برای خانم حسامی مبنی بر اجرای حکم فرستاده نشده است. با توجه به این نکته و وضعیت خاص فاران حسامی، آیا اجرای حکم وی به این صورت قانونی بوده است؟

متأسفانه رای دادگاه تجدید نظر ایشان نه به من و نه به همکار دیگر ابلاغ نشده و حتی رویت هم نشده بود و ما از مفاد رای اطلاعی نداشتیم تا صبح روزی که خانواده یکی از متهمین به من اطلاع دادند که خانم حسامی را دستگیر کردند- که برای پیگیری پرونده همسرشان که حکم ۴ سال حبس را دارند به دادرسی مراجعه کرده بودند- به شعبه رفتم و حکم ۴ سال حبس ایشان را دیدم. بنابراین این حکم قبلاً نه به ایشان و نه وکلای ایشان ابلاغ نشده بود تا ایشان حداقل امکان خداحافظی و حتی در آغوش گرفتن فرزند ۳ ساله اش را که حالا علاوه بر تحمل رنج دوری از پدر حالا باید رنج دوری از مادر را نیز تحمل کند را داشته باشد. نمی دانم در بین اینگونه پرونده ها آیا مورد مشابهی هست که هم پدر و هم مادر یک بچه ۳ ساله همزمان بازداشت شده باشند و سپس حکم حبس صادر شده باشد؟ چرا که چنین کاری حسب اعلام خود مامورین حتی در رویه های بازداشت ها معمول نیست مخصوصاً که حالا عموی این کودک خردسال - آقای کیوان رحیمیان- نیز که در نبود پدر و مادر به او عادت کرده است حکم ۵ سال حبس غیر قطعی دارد و زن عمویی که از او نگهداری می کرد هم چندی پیش از دست رفته است و عملا یک پیر زن با دو نوه خردسال به جا می ماند که از مسئولین قضایی دلسوز نظام ضرورت توجه به وضعیت این خانواده انتظار می رود.

آیا پرونده فاران حسامی، کامران و کیوان رحیمیان ارتباطی با پرونده مسؤلان دانشگاه بهاییان داشته است؟

همانگونه که گفته شد پرونده آقای کامران رحیمیان و خانم حسامی را به دلیل ممانعت از در اختیار گذاشتن پرونده از سوی ریاست شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب مطالعه نکردم ولی تا آنجا که من اطلاع دارم هر سه نفر در رشته روانشناسی مشغول به کار بودند و مثلاً خانم حسامی جزء معدود افرادی هستند که در زمینه سوءاستفاده جنسی از کودکان در ایران کار علمی کرده اند و مؤسسات مختلف از جمله سازمان بهزیستی و به دلیل نیاز وافر به تخصصشان از ایشان تقاضای ایجاد کارگاههای آموزشی در رابطه با آموزش روابط جنسی به زوجین و مسایلی که کودکان باید بدانند را کرده بودند که در چندین مرحله تحت نظارت کارشناسان سازمان بهزیستی و حتی حسب اعلام موکلین تاییدحوزه علمیه قم را هم داشته اند، اما متأسفانه اتهامات آنها مثل بقیه موکلین ۴۹۹ بود و ماده ۶۱۰ قانون مجازات هم اضافه شده بود که از اتهام اجتماع و تبانی برائت حاصل نمودند و بابت اتهام ماده ۴۹۹ آقای کامران رحیمیان و همسرشان هریک به چهار سال محکوم شدند و در مورد پرونده آقای کیوان رحیمیان به نظر می رسید تاکید بر روی آموزش مسائل جنسی بوده است و کیفرخواست براساس اتهام "اجتماع و تبانی" و "تحصیل مال از طریق نامشروع" که منظور همان مبالغی است که ایشان به عنوان حق المشاوره دریافت کرده اند صادر شده بود و جالب اینکه آقای کیوان رحیمیان به دلیل فعالیت کمی که داشتند خفیف ترین قرار تامین را در بین موکلین و دیگر هم پرونده ای ها (کفالت) و کم حجم ترین پرونده و کوتاه ترین مدت بازداشت و البته بدترین شرایط شخصی را به خاطر از دست دادن همسرشان در بهمن ماه سال گذشته و داشتن دختری ۱۱ ساله داشتند و با این حال بیشترین مجازات را برای ایشان در نظر

گرفتند! و اساساً در بعضی از گزارش اطلاعات و در دادگاه، ایشان را با برادرشان آقای کامران رحیمیان اشتباه گرفته بودند.

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]